دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگوی تفصیلی با رسانه KHAMENEI.IR

ایرانی‌ها «تسلیم بشو» نیستند

رسانه KHAMENEI.IR برای روایت و تحلیل کلان پیروزی جمهوری اسلامی ایران در نبرد تحمیلی ۱۲ روزه اخیر با رژیم صهیونیستی و نقش رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در هدایت کشور، پرونده «روایت فتح» را مشتمل بر تحلیل کارشناسان عرصه‌های مختلف کشور در این باره، تدوین و منتشر کرده است. در بخشی از این پرونده که روز جمعه منتشر شد دکتر علی لاریجانی، مشاور رهبر معظم انقلاب، دبیر شورای عالی امنیت ملّی و نماینده رهبری در این شورا، به سؤالات پاسخ داده است که در اینجا گزیده سخنان آقای لاریجانی را می‌خوانید:

■ مهم‌ترین وظیفه‌ای که این شورا (امنیت ملی) دارد این است که طوری چالش‌ها را مدیریت کند که برآیند آن یک فضای آرام برای توسعه ملی کشور بشود و مردم بتوانند یک زندگی قابل پیش‌بینی داشته باشند، چون چالش‌ها همیشه هست؛ حالا ممکن است امروز جنگ و یا موضوعات دیگر باشد، دیروز امور دیگر بوده، مسائل منطقه‌ای هست، مسائل بین‌المللی هم هست. در نهایت، فنّانیت کار در حوزه دیپلماسی و شرایط نیروهای مقاومت و نیروهای نظامی باید ممزوج شدن اینها باشد که منافع ملّی کشور استیفاء بشود و در واقع، یک مسیر توسعه یا پیشرفت متوازنی برای کشور و دولت فراهم بشود. طبعاً الان چون ما درگیر یک جنگ هستیم و فعلاً یک قطع آتش شده، بنابراین، این موضوعِ مهمی است که باید به آن توجه کنیمِ و ظرفیت‌هایی ایجاد کنیم که دشمن هوسِ اقدام مجدد را نداشته باشد؛ ضمناً، این موضوع حواشی‌ای هم از جنس مسائل هسته‌ای، موضوعات منطقه‌ای و مسائل دیگر در پی دارد.

■ پاسخ دادن به این سؤال (که آیا دوباره جنگ می‌شود یا نه) یک مقدار به ما مربوط است، یک مقدار هم به دشمن مربوط است، چون همه امور در دست ما نیست؛ ولی مهم‌ترین مسأله این است که ببینیم با اقداماتی که می‌شود کرد، چگونه می‌شود جنگ را پس زد. تصور من این است که چند عامل می‌تواند در این قضیه مؤثر باشد.

■ اولین مسأله انسجام ملی است، همان‌طور که در جنگ دوازده روزه هم مسأله انسجام ملی واقعاً خیلی مؤثر بود. اینکه ایرانی‌ها در آن ایام از یک درک بالایی برخوردار بودند و دشمن و حریف را درست تحلیل کردند و با همه اختلاف‌نظرهایی که وجود داشت، قبول داشتند که باید از ایران و منافع ایران دفاع بکنند، این خیلی هوشمندی بزرگی است. البته باید از این صیانت بشود؛ به این معنی که دولت، ملت و همه باید تلاش بکنیم که این همبستگی و انسجام حفظ بشود. این یک نکته است. در یکی از این سفرهایی که ما داشتیم، یکی از رهبران کشورها گفته بود دنیا این انسجام ملی ایرانی‌ها را درک کرد! لذا این یک سرمایه ملی است و حفظ و صیانتش عوامل مختلفی دارد که حالا من نمی‌خواهم وقتتان را بگیرم.

■ نکته دوم این است که یکی از عوامل مهم برای پایداری عبارت است از اینکه مردم از یک حداقلی در زندگی برخوردار باشند. درست است که جنگ است، ولی به‌هرحال باید اداره امور زندگی مردم طوری باشد که بتوانند پایداری داشته باشند. این یکی از موضوعاتی است که الان ما داریم بحث می‌کنیم و فکر می‌کنم دولت و خود آقای رئیس‌جمهور هم خیلی به این مسأله مقیدند و توجه دارند و بخشی از عدالت را این می‌دانند. بنابراین، یک پایه‌ای از نیازهای مردم باید به‌خوبی تأمین بشود که این در شرایط غیر جنگ یک جور است، در شرایط جنگ هم جور دیگری است. این هم نکته دوم است که به نظر من باید تمهید بشود.

■ نکته بعدی حفظ و ارتقای عِدّه‌وعُدّه امکانات نظامی است. به‌هرحال، ما از امکانات خوبی برخوردار بودیم که دشمن علی‌رغم اینکه خودش جنگ را شروع کرد، به دست‌وپا زدن برای پایان جنگ افتاد. حالا درست است که در بیرون تبلیغ می‌کنند که ما خیلی توفیق داشتیم، ولی تقریباً اکثر کشورهای مهم و ملت‌ها این موضوع را درک کردند که دشمن ما در این جنگ شکست راهبردی خورد، که البته دلایل مختلفی در این زمینه وجود دارد. این مسأله، هم برای ایران مفید است، هم می‌تواند برای دشمن وسوسه‌انگیز باشد؛ چون دشمنی که از نظر راهبردی موفق نشده باشد، طبعاً دنبال این است که یک جوری مجدداً بتواند موفقیت را به دست بیاورد. چطور می‌شود او را ناامید کرد؟ باید امکانات نظامی و امکانات امنیتی کشور و بعضی از اشکالاتی که در کارمان بوده رفع بشود. بنابراین، یک مقدار از وقت ما صرف این می‌شود که اشکالات ما کجا بوده، با دقت و واقع‌بینی آنها را ببینیم و بعد هم اشکالات را رفع کنیم و امکانات خودمان را قوی‌تر کنیم. پس این هم یک بخش دیگری از کارها است.

■ البته یک بخش از کارها هم تعاملات بین‌المللی، منطقه‌ای و توازن‌هایی است که می‌شود به وجود آورد؛ یعنی گفت‌وگوهای دقیق‌تر در صحنه بین‌المللی ـ خارج از این عرف‌هایی که معمولاً تعارفات در آنها زیاد است ـ باید بخشی از کار ما باشد.

■ توصیه من واقعاً این است که در داخل کشور به این نکته توجه بشود که جنگ ما هنوز خاتمه پیدا نکرده؛ هم جریان‌های سیاسی، هم افرادی که تریبون دارند، باید توجه داشته باشند که ما در یک موقعیت مهم هستیم. البته ظرفیت بازدارندگی ایران هم خیلی بالا است. من نمی‌گویم الان جنگ بالفعل وجود دارد، ولی بدانیم که جنگی شروع شده و این جنگ الان فقط به قطع آتش بسنده کرده.

■ مسأله این است که نباید به شرایط زمان و مکان و وضعیتی که مردم در آن قرار دارند بی‌توجه بود، چراکه اینها گاهی سایش‌هایی ایجاد می‌کند که دشمن را به عملیات علیه ما حریص می‌کند. بنابراین، این جهت هم به نظر من مهم است و باید به آن دقت کرد.

■ در بُعد دفاعی، یک تصمیم مهم در شورای عالی امنیت ملی گرفته شد و آن ایجاد شورای دفاع بود. این شورای دفاع، بخش اقماری شورای عالی امنیت ملی است و وظیفه‌اش فقط مسأله دفاع و رفع اشکالات نیروهای مسلح و تدبیر در این امور است که سازوکارش هم فراهم شده و مشغول کارند، یک جلسه‌اش هم تشکیل شد و کارها مرتب دارد پیگیری می‌شود. در این راستا، ستاد کل نیروهای مسلح یک وظایفی را بر عهده گرفته و در حال دنبال کردن است، وزارت دفاع در تأمین نیازها فعال است و همه مشغولند؛ مخصوصاً فرمانده سپاه و فرمانده هوافضا، همه در حال تلاش هستند که اگر اشکالاتی را ما در این مسیر دیده بودیم، تا آنجا که ممکن است رفع کنیم. و مخصوصاً از ظرفیت افراد صاحب‌نظر و جوانان مستعد و متخصص هم به‌خوبی دارد استفاده می‌شود. ما در دبیرخانه هم به دلیل اینکه واقعاً وارد دوره جنگ‌های مدرن شده‌ایم، یک معاونت فناوری در بُعد دفاعی ایجاد کرده‌ایم که روی این موضوع تمرکز دارد و مشغول کار هستند. بنابراین، در این زمینه اقداماتی را شروع کرده‌ایم و من شخصاً خیلی امیدوارم، زیرا بسیاری از نیروهای متخصص دانشگاه‌ها به این روند پیوند خورده‌اند.

■ مثلاً فرض کنید در حوزه پدافند و رادارها ما نقایصی داشتیم که الان در این امور متمرکزند و دارند کار می‌کنند؛ یا همین‌طور بعضی از مسائلی که به این موضوعات ربط دارد. البته لزومی ندارد که الان من همه ریزه‌کاری‌ها را بگویم؛ فقط بدانید که در حالت کلی روال کار از این قرار است. البته ما در این جنگ نقاط قوت زیادی هم در بُعد موشکی و مانند آن داشتیم که خب اینها کمر دشمن را شکاند؛ لذا این باید همچنان تقویت بشود و در این زمینه هم در حال کار هستند. بنابراین، بُعد دفاعی دارد پیگیری می‌شود و ان‌شاءالله که خوب هم خواهد بود؛ یعنی دورنمای آن الحمدلله خوب است.

■ تکیه ما بیشتر بر مسائل داخلی است، ولی از کمک‌های دیگران هم استفاده می‌کنیم.

■ یک بُعد دیگر هم رفع اشکالاتی است که در بخش‌های امنیتی وجود داشته که جلساتی هم در این زمینه دارد برگزار می‌شود؛ این یک اشکالی است که حتماً باید رفع بشود. البته فقط هم جنبه نیروی انسانی نیست؛ یعنی مثلاً وقتی ما می‌گوییم «نفوذ»، تصور نشود که حتماً یک عوامل انسانی دخیل هستند؛ بله، این هم هست ـ نمی‌گوییم نیست ـ اما عوامل دیگری هم هست.

■ تصور ابتدایی این است که همه مسأله این عواملی هستند که مثلاً در خیابان یا جای دیگر ولو هستند و به دشمن اطلاعات می‌دهند، در حالی که این‌جور نیست؛ یعنی وقتی صحنه نفوذ را شما می‌بینید، متوجه می‌شوید که تکنولوژی‌های جدید و تقاطع اطلاعات زیاد با هم، خیلی فراتر از اینها می‌تواند به سرویس‌های خارجی کمک بکند. لذا تسلط فناورانه به اطلاعات خیلی می‌تواند در این زمینه کمک کند و این بخش، بیشترین مسأله است. بنابراین، آن کاری که دیگران می‌کنند فقط فرستادن نیروی انسانی به آن طرف نیست؛ این مال متد قدیمی است ـ که البته این هم هست، نه اینکه نیست ـ ولی مهم‌تر این است که سرویس‌های جاسوسی از مجموع اطلاعاتی که به دست می‌آید و از تقاطعش می‌توانند یک دریافت‌هایی بکنند و از آنها بهترین استفاده را برای عملیات داشته باشند. بنابراین، به این بُعد قضیه خیلی بیشتر باید توجه بشود.

■ همه قبول دارند که به خاطر مسائل امنیتی، همه حرف را نمی‌شود زد، ولی حرف خلاف هم نباید زد؛ یعنی مردم حتماً باید احساس بکنند که رسانه‌ها دروغ نمی‌گویند، خلاف نمی‌گویند. ممکن است شما بگویید ما بعضی از مسائل را الان نمی‌توانیم بگوییم؛ خب بگویید «الان نمی‌توانیم بگوییم»، همه می‌پذیرند این را؛ ولی اگر خلاف گفتید، از درجه اعتبار می‌افتید. این باید سرلوحه کار باشد. مخصوصاً در شرایط جنگ، همان‌قدر که تکیه‌گاه مردم به رهبری است برای اینکه پیش ببرد اهداف را، همان‌قدر هم تکیه‌گاهشان باید به رسانه‌ها از نظر صدق باشد تا بپذیرند شرایط زمانه را و بتوانند خودشان را تنظیم کنند.

■ خواسته اصلی رهبری (در اولین دیدار پس از انتصاب به این سمت) این بود که در کل، تمام تلاشمان را بکنیم که منافع ملی کشور به‌خوبی صیانت بشود و امنیت پایداری پیدا بکنیم که خب این یک عرض طولانی دارد و شامل موضوعات مختلف داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود. نظر ایشان اصلاً این است که با استقامت و پایداری و صلابت، این کار دنبال بشود. سلوک ایشان هم همین‌طور است. من در طول این دوران جنگ هم هیچ زمانی کوچک‌ترین تردیدی در ایشان در راهی که دارند می‌پیمایند ندیدم.

■ (در دوره جنگ هم با ایشان) ارتباط داشتم و کاملاً رهنمودهایشان به ما می‌رسید. ما یک جلساتی هم داشتیم، نظراتمان را هم مستمراً برای ایشان ارسال می‌کردیم، بازخوردش هم به ما می‌رسید و کاملاً مشهود بود؛ الان هم که بعد از جنگ، ارتباطات ما بیشتر است.

■ ایشان در راهشان خیلی بااطمینان گام برمی‌دارند و این رفتارشان خیلی شبیه به امام است... یعنی گام‌هایشان با کمال اطمینان است و خب این از خصوصیات رهبرانی است که مسیر الهی را طی می‌کنند و هدف‌گرا هستند.

■ توصیه من همیشه این است که ایران هیچ وقت دیپلماسی را ترک نکند، چون دیپلماسی خودش یک ابزار است. رهبری معظم هم یک بار فرموده بودند همیشه پرچم مذاکره در دستتان باشد؛ این کاملاً درست است. در واقع، دیپلماسی یک بخشی از کار حکومت است و معنی ندارد که آن را ترک بکند؛ مهم این است که چه زمانی و چگونه از آن استفاده بکنیم. اگر صحنه دیپلماسی را دشمن تبدیل بکند به یک صحنه تئاتر و نمایش، از این دیپلماسی چیزی درنمی‌آید. یا اگر مقصودش این باشد که از دیپلماسی برای توجیه یک کار دیگر استفاده کند، خب معلوم است که این دیپلماسی بماهو دیپلماسی مورد توجه نبوده و در واقع نمی‌خواسته از آن استفاده کند. اما اگر دیپلماسی برای این باشد که ما از جنگ بهره‌ای نمی‌بریم، حالا می‌خواهیم صلح کنیم، اینجا دیگر جای دیپلماسی است و این دیپلماسی واقعی است. من الان شرایط را این‌گونه نمی‌بینم؛ یعنی احساس می‌کنم دیپلماسی‌ای که اینها دارند، دیپلماسی برای بهانه ایجاد کردن است؛ ولی درعین‌حال نباید بگوییم ما دیپلماسی را قطع می‌کنیم.

■ اینکه شرایط مذاکره مثلاً چگونه باشد و چه وقتی ثمر می‌دهد، مذاکره وقتی ثمر می‌دهد که طرف مقابل بفهمد جنگ خاصیتی ندارد و مثلاً بخواهد از راه مذاکره مسائل را حل بکند؛ امّا اگر بخواهد مذاکره را بهانه کند برای یک عملیات دیگر، خب این یک مذاکره صحیحی نیست. بنابراین، در این زمینه شرط ما این است که مذاکره واقعی بکنیم. اگر دنبال جنگید، بروید کارهایتان را بکنید، هر وقت پشیمان شدید بیایید برای مذاکره؛ امّا اگر واقعاً به این نتیجه رسیدید که این ملتِ نستوه و مقاوم را نمی‌توانید با جنگ تسلیم کنید ـ این حرف‌های چرندی که می‌زنند که ما حتماً باید فشار بیاوریم تا ایران تسلیم بشود، که رهبری هم پاسخشان را دادند و در این جنگ هم متوجه شدند که «ایرانی‌ها تسلیم‌بشو نیستند»؛ شرط انجام مذاکره واقعی این است که این را درک کنید.

■ اگر (گروه‌های مقاومت) تضعیف شدند، چرا این‌قدر اینها روی آن اصرار دارند و فشار می‌آورند؟ اگر تضعیف شدند، خب تضعیف شدند دیگر. معمولاً به جایی فشار می‌آورند که قوی است؛ وقتی ضعیف است، خب ضعیف است دیگر. به نظر من، این از آن حرف‌های عجیب‌وغریب است. اگر برگردیم به رسانه‌ها مثلاً در چهار پنج سال پیش و قبل از این حوادث، آن موقع بحث تضعیف نبود؛ درست است؟ ولی ببینید راجع به مقاومت و رابطه ایران با مقاومت چه می‌گفتند: می‌گفتند ایران اشتباه می‌کند، اینها چیزی نیستند، اینها همه هزینه برای ایران است! ادبیاتشان غالباً این بود که اینها چیز مهمی نیستند و ایران خودش را بی‌خود خرج اینها دارد می‌کند و اینها اصلاً عددی نیستند! الان می‌گویند جبهه مقاومت ضعیف شده است، اما آن موقع که به زعم آنها ضعیف نبود هم همین حرف را با یک ادبیات دیگری می‌گفتند. حالا هم می‌گویند اینها ضعیفند؛ خب اگر ضعیفند، رهایشان کنید، ولشان کنید دیگر؛ چرا این‌قدر طرّاحی می‌کنید برایشان؟

■ وقتی آمریکایی‌ها فشار می‌آورند و می‌گویند تئوری ما صلح از راه زور است، «صلح از راه زور» یعنی چه؟ معنی‌اش چیست؟ این را روی زمین ترجمه کنید... یا تسلیم یا جنگ. کدام آدم باغیرتی این تسلیم را می‌پذیرد؟ آن‌وقت این نتانیاهوی احمق‌تر از او هم همین را تکرار می‌کند می‌گوید من هم این نظر را دارم! حالا می‌خواهد خودش را قاطی آن صحنه بکند. خب هم آن نتیجه را می‌دهد، هم این نتیجه را می‌دهد که وقتی نتانیاهو می‌گوید من به عنوان یک کشور کوچک می‌خواهم صلح را از راه قدرت ایجاد کنم، یعنی به کشورهای منطقه از قبیل عربستان، مصر، اردن یا کویت می‌گوید همه شماها باید یا تسلیم من بشوید یا بجنگید! خب این‌جوری همه را روی حساسیت می‌اندازد و لذا الان شرایط منطقه این‌طور است که همه نسبت به اسرائیل یک حالت گارد دارند. البته ممکن است با ما هم اختلاف‌نظر داشته باشیم ـ من نمی‌گویم مثل ما فکر می‌کنند ـ ولی نسبت به رفتار اسرائیل معترضند و می‌فهمند که ایران سدی مقابل او است. خب، این یک نکته است. لذا به نظر من، مقاومت، هم زنده است و هم در حال حرکت است.

■ اگر ایران از ظرفیت‌های موجودی که می‌گویند ما از منافع اسلام حمایت می‌کنیم و دلسوز ایران هستیم حمایت نکند، یک نوع کم‌عقلی سیاسی است. ایران باید از ظرفیت‌های خودش استفاده کند. وقتی دشمن از همه ظرفیت‌های کوچک و بزرگ خودش استفاده می‌کند، چرا ما از ظرفیت‌های خودمان استفاده نکنیم؟

■ پس شما باید عناصر قدرتتان را تقویت کنید. در داخل، مردمتان مهم هستند؛ مردم را باید داشته باشید، انسجام‌شان را داشته باشید، نیازهایشان را تأمین کنید، با مردم رفیق باشید، آمرانه با مردم حرف نزنید و بتوانید احساساتشان را درک کنید. در منطقه هم امکاناتی دارید؛ با امکاناتتان در منطقه متحد باشید. اینکه فکر بشود مثلاً حزب‌الله یا نیروهای مقاومت سربار ما هستند، یک اشتباه راهبردی است. به نظر من، هم آنها به کمک ما نیاز دارند، هم ما باید از کمک آنها استفاده کنیم؛ چون انزوا ایجاد کردن به نفع امنیت ملی ایران هم نیست.

■ از زمان آقای البرادعی و نسل بعدی‌اش که رسید به این آقا (گروسی)، واقعاً آژانس هیچ وقت به این وضعِ مخرّبِ امروز نبوده! یعنی یک مختصر عقلی برایشان حاکم بود؛ درست است که تحت سلطه غرب عمل می‌کنند، ولی یک قدری هم مناسبات بین‌المللی را رعایت می‌کردند. این شخص مثل اینکه چک سفید داده به دشمن صهیونیستی و آمریکا؛ یعنی آتش‌بیار معرکه بود در این قضیه جنگ. خجالت‌آور است که در مقررات پادمان آمده که آژانس باید دفاع بکند از کشورهایی که عضو اِن‌پی‌تی هستند، باید فوراً جلسه شورای حکام بگذارد و نتیجه را ببرد شورای امنیت؛ اما ایشان ایستاد تماشا کرد و حتی محکوم هم نکرد! آیا چنین فردی لیاقت مدیرکلی آژانس را دارد؟ آقای البرادعی که بود، خیلی عاقلانه عمل می‌کرد؛ به‌هرحال، فشار بین‌المللی همیشه روی اینها هست، ولی با یک تدبیری حیثیت یک مرکز حرفه‌ای را تا حدی رعایت می‌کرد. حالا من نمی‌گویم صددرصد، اما تا حدی رعایت می‌کرد که حدّقل بُروز و ظهورش یک قدری باشد که اجمالاً نشان دهند دارند کارشناسی می‌کنند. این شخص کلاً ول کرد و تسلیم شد. جنگ آخر کار است؛ با ما جنگ شد، محل‌های هسته‌ای ما را بمباران کردند، آژانس حتی یک بیانیه نداد که محکوم کند! واقعاً فضاحت‌بار است.

■ به نظر من، اول باید یک فکری به حال خود این آژانس بکنند که این آژانس چه خاصیتی دارد. الان واقعاً برای کشورها این سؤال به وجود آمده که آژانس چه خاصیتی دارد. ما عضو اِن‌پی‌تی هستیم؛ چه فایده‌ای دارد که ما با آژانس کار می‌کنیم؟ من نمی‌گویم ما از اِن‌پی‌تی خارج بشویم؛ می‌گویم این یک سؤال منطقی برای مردم ما و برای همه کشورها است.

■ واقعیت این است که اِن‌پی‌تی هیچ خاصیتی برای ما نداشته.

■ شما در مقابل این امور با قدرت عمل بکنید، کارتان پیش می‌رود ـ صحنه بین‌المللی این‌جوری است ـ امّا اگر بخواهید فکر بکنید که مثلاً در صحنه دیپلماسی با بغل‌گیری مشکلی حل می‌شود، نه، چنین چیزی وجود ندارد. شما اگر قدرت داشته باشید، کارتان پیش می‌رود؛ بنابراین، ایران باید برود دنبال قدرت. ترجمه‌اش در سیاست هسته‌ای ما این است که شما مذاکره را هیچ وقت رفع نکنید، ولی در مذاکره تسلیم هم نشوید، بلکه راه‌حل‌های عقلایی ارائه بدهید. من نمی‌گویم انعطاف نباید داشت، اما در جایی باید انعطاف داشت که قصدشان حل مسأله باشد. مثلاً یک وقتی آقا هم فرموده بودند «نرمش قهرمانانه»؛ این برای جایی است که طرف مقابل هم بخواهد این کار را بکند؛ اما اگر طرف مقابل بگوید باید تسلیم بشوید، اینجا نباید تسلیم شد، باید ایستادگی کرد.

■ در کل، روابط ما با چین و روسیه خوب است و با ایشان مراودات سیاسی خیلی خوبی داریم، مراودات تجاری خیلی خوبی داریم، همکاری‌های نظامی و همکاری‌های امنیتی هم داریم. و اینکه کشورها بر اساس تدابیر خاص خودشان با ما کار می‌کنند، ما هم همین‌جوریم؛ یعنی به نظر من نباید توقع داشت که هر کشوری همان‌جور که ما می‌خواهیم با ما کار کند. هر کسی برای فرآیند همکاری‌اش به یک مختصاتی قائل است و در یک چهارچوبی این کار را می‌کند.

■ خب وقتی کشورهای غربی با ما کار نمی‌کنند، ما چه کار باید بکنیم؟ کسانی که می‌گویند با اینها کار نکنیم، یعنی معتقدند که ما باید تنهایی بِایستیم؟ خب وقتی غربی‌ها با ما کار نمی‌کنند، ما با چین کار می‌کنیم، با کشورهای دیگر کار می‌کنیم. حالا چون آنها در روابط با ما خیلی طاقچه‌بالا گذاشتند، ما رفتیم با اینها روابط راهبردی ایجاد کردیم و انصافاً هم با ما همکاری کردند. به‌هرحال، در این مدت تحریم، ما با همین کشورها و کشورهای همسایه‌مان کار کردیم. در عالم سیاست، به عدد کشورها راه‌حل وجود دارد. این‌جور نیست که غربی‌ها احساس بکنند اگر مثلاً اَخم‌وتَخمی به ایران کردند، ایرانی‌ها عقلشان را می‌گذارند کنار می‌گویند «خواهش می‌کنیم، تسلیمیم، بفرمایید»! خب ایران هم می‌رود یک راه دیگر پیدا می‌کند.

■ و به نظرم ایران کار درستی کرد که رفت از همسایه‌ها استفاده کرد، از کشورهای دیگر استفاده کرد و عملاً تا حدی مشکل تحریم را رفع‌ورجوع کرد. من نمی‌گویم همه ابعاد تحریم از بین رفت، زیرا طبعاً یک اثراتی هم در اقتصاد ما دارد؛ ولی به‌هرحال نباید نشست تا آنها به ما فشار بیاورند و ما هیچ کار نکنیم. لذا تصمیماتی که کشور گرفته، به نظر من درست بوده؛ حالا ممکن است یک کشوری با ما کمتر کار کرده باشد، یک کشوری هم بیشتر کار کرده باشد.

■ توافق اخیر ارمنستان و آذربایجان در آمریکا ذیل یک طراحی بزرگ‌تر است که فقط مال ایران نیست؛ ذیل استفاده زیاد از آسیای مرکزی و قفقاز است که آمریکا و ناتو و مانند اینها حتماً یک نگاه ریب‌آمیزی هم دارند؛ یک نوع فشار به روسیه هم هست، فشار به ما هم هست. لکن سؤال این است که آیا این عمل می‌تواند یک خفگی ژئوپلتیکی برای ایران ایجاد بکند یا نه. این بستگی دارد به اینکه ما با این مسأله چه نسبتی داریم. تا آنجایی که دبیر شورای امنیت ملی ارمنستان با من تماس گرفت و توضیح داد و با وزارت خارجه تماس گرفتند، با رئیس‌جمهوری تماس گرفتند و توضیح دادند، من نمی‌گویم این عملشان دقیق بوده یا نه؛ می‌توانستند دقیق‌تر عمل کنند، ولی حرفشان این است که ما یک کار تجاری کردیم و می‌خواهیم یک سری راه‌های مختلف را فراهم کنیم برای اینکه این مسیر هموار بشود و به هیچ وجه نمی‌خواهیم راه شمال ـ جنوب را قطع کنیم. البته این باید مدون بشود. این الفاظ تلفنی کفایت لازم را ندارد. امّا اگر این مدون بشود و به توافق برسد، نمی‌تواند خفگی ژئوپلتیکی برای ما ایجاد کند؛ آن یک چیز است.

■ ما تابه‌حال هیچ نشانه‌ای در زمینه (همکاری یکی از همسایگان با اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه) نداشته‌ایم. ببینید! ما باید مستند حرف بزنیم. برخی حرف‌هایی می‌زنند، ولی باید برای ما استناد دقیق بیاورند. ما هنوز استنادی نداریم؛ خود دولت آذربایجان با صراحت می‌گوید چنین چیزی نبوده، ما هم هنوز دلالتی نداریم که بگذاریم روی میز. ضمناً توجه داشته باشید کشور آذربایجان یک کشور مسلمان همسایه ما است و از نظر ارتباطات فرهنگی به ما خیلی نزدیک است و دوست ما است..

■ (در مورد تمدید مهلت مکانیسم ماشه) ما یک توافقی داشتیم که ظرف ۱۰ سال این باید تمام می‌شد؛ دیگر بنا نیست به قول معروف جرزنی کنند و دوباره به آن اضافه کنند. ایران واقعاً قائل به این نیست. البته بعضی‌ها هم در داخل گفتند خوب است که مثلاً این شش ماه را بپذیریم؛ ولی در کل، ما این را قبول نداریم.

> اگر (گروه‌های مقاومت) تضعیف شدند، چرا این‌قدر اینها روی آن اصرار دارند و فشار می‌آورند؟ اگر تضعیف شدند، خب تضعیف شدند دیگر. معمولاً به جایی فشار می‌آورند که قوی است؛ وقتی ضعیف است، خب ضعیف است دیگر. به نظر من، این از آن حرف‌های عجیب‌وغریب است

ملاحظات لاریجانی در مورد مکانیزم ماشه

برش

در زمینه (ماشه) اختلاف‌نظر هست. خیلی از کشورها مثل روسیه و چین بیانیه هم دادند و معتقدند که این مکانیسم ماشه برای زمانی گذاشته شده که یکی از طرفین به مقررات برجام مقید نباشد. چه کسی مقید نبوده؟ اختلاف‌نظر بعدی این است که شما اگر می‌خواهید از مکانیسم ماشه استفاده کنید، فوراً نمی‌توانید بروید شورای امنیت؛ ابتدا باید تقاضایتان را بدهید، یک هیأت کارشناسی دارد، بعد یک هیأت وزرا دارد، بعد اینها باید ارزیابی بشود، بعد برود شورای امنیت. اینها یک‌مرتبه رفته‌اند شورای امنیت!

نکته بعدی این است که خب آمریکا خارج شده؛ حالا چند نفر می‌مانند؟ شش نفر می‌مانند؛ یعنی ایران هست، روسیه هست، چین هست و سه کشور اروپایی؛ خب این می‌شود سه به سه. چه‌جوری می‌خواهید تصمیم بگیرید؟ بنابراین، اگر هفت کشور بودند، اکثریت معنی داشت؛ حالا که سه به سه است. یعنی اگر بخواهند به‌قاعده عمل بکنند، به این سادگی نیست.

راه منطقی‌اش این بود که از طریق مذاکره بیایند مسأله را حل بکنند، اما اینها می‌خواهند با فشار حل بکنند. فشار هم دو جور است: یکی روش آمریکایی‌ها است که بمباران کردند، یکی هم روش اینها است که این را بالای سر ما عَلَم کرده‌اند که یا این کار را می‌کنیم یا فلان! ولی آنچه در متن هست این است؛ لذا در آن اختلاف‌نظر وجود دارد.